



صورت جلسه ماه دسامبر

طبق هر سال، مجمع عمومی انجمن که اختصاص به برگزاری انتخابات هیئت مدیره داشت، جلسه ماه دسامبر را تشکیل داد. در ابتدا توضیحات لازم و چند نکته مهم در باره نحوه برگزاری انتخابات توسط هیئت مدیره داده شد و بلافاصله از اعضای حاضر در جلسه درخواست شد که دو نفر برای تشکیل رسمی جلسه مجمع عمومی و برگزاری انتخابات، داوطلب شوند که با استقبال بی نظیر اعضا، امسال چهار نفر از اعضای باتجربه داوطلب شدند و هر چهار نفر (امیر، فرامرز، فریبرز، علی) با اکثریت آراء برای اداره جلسه انتخاب شدند. ریاست جلسه را امیر به عهده گرفت و جلسه رسمیت پیدا کرد و نامزدهای هیئت مدیره که تعداد آنها ۹ نفر بودند یکی پس از دیگری به معرفی خود پرداختند و برنامه های خود را برای آینده انجمن بیان کردند. سپس برگه های انتخاباتی که به صورت چاپی تهیه شده بود بین اعضا پخش شد و رأی گیری با مطابقت لیست کامل اسامی اعضا با رأی دهندگان انجام گرفت.

در مجموع ۶۲ نفر در رأی گیری شرکت کردند که امسال با افزایش در حدود ۲۰ درصدی همراه بود و به علت این که امسال چهار نفر مسئول برگزاری انتخابات بودند، کنترل و سرعت شمارش آراء با کیفیتی عالی و بدون هیچ اشتباهی انجام گرفت. نتایج انتخابات به شرح زیر حاصل شد:

- | | |
|---------------------|--------|
| ۱ - خانم مینا رسولی | ۴۸ رأی |
| ۲ - محمد مزده | ۴۷ رأی |
| ۳ - رامین نریمانی | ۳۳ رأی |
| ۴ - تورج بصیری | ۳۲ رأی |
| ۵ - بهرام اسدی پور | ۳۲ رأی |

و آقای مهدی بومی و قاسم اردشیری هر کدام با ۲۶ رأی به عنوان افراد ذخیره انتخاب شدند. در پایان جلسه جوایز مسابقات شطرنج به ترتیب زیر اهداء شد:

آقای احمد افشار، نفر اول. آقای هاتف توکلی، نفر دوم. آقای حسین جوشنی، نفر سوم. آقای کامران، نفر چهارم. در ضمن آقایان مسعود رسولی و مهرداد به عنوان بهترین بازیکنان این دوره از مسابقات شطرنج شناخته شدند. هیئت مدیره از آقایان امیر، فرامرز، فریبرز و علی که مسئولیت برگزاری انتخابات هیئت مدیره را در مجمع عمومی سالانه به عهده گرفتند، قدردانی و تشکر می کند و آرزوی موفقیت برای هیئت مدیره جدید را دارد و از کلیه همکاران و دوستان و اعضای محترمی که در مسابقات شطرنج شرکت کردند، تشکر می کند.

هیئت مدیره ۲۰۱۰

«ماهنامه انجمن»، زیر نظر هیئت مدیره انجمن تاکسیران

سخن هیئت مدیره

با تشکر از اعضای انجمن برای شرکت در جلسه عمومی مجمع عمومی سالیانه، در ماه دسامبر و مخصوصاً شرکت فعال در رأی گیری برای انتخاب هیئت مدیره سال ۲۰۱۱ امید است که بتوانیم در جهات مختلف صنفی، فرهنگی و ادبی در خدمت اعضای انجمن باشیم.

جلسه هیئت مدیره جدید سال ۲۰۱۱ در تاریخ ۱۸ دسامبر ۲۰۱۰ تشکیل شد و مسئولیت های مختلف به شرح زیر با رأی گیری کتبی تعیین گردید:

محمد مژده:	مستول انجمن
خانم مینا رسولی:	حسابدار
تورج بصیری:	کمک حسابدار
رامین نریمانی:	دبیر اول
بهرام اسدی پور:	منشی و مستول اداری

در پایان، سال نو میلادی را به کلیه اعضا و همکاران محترم تبریک گفته و امیدواریم سالی پر بار و موفقیت آمیز در تمام شئون زندگی داشته باشید.

هیئت مدیره ۲۰۱۱

XXXXXXXXXX

BONNE ANNEE 2011

فرا رسیدن سال نو میلادی را به کلیه همکاران و اعضای محترم تبریک و تهنیت گفته و آرزوی موفقیت و پیروزی و سلامتی برای آنها و خانواده عزیزشان را داریم. هیئت تحریریه انجمن تاکسیران

XXXXXXXXXX

ابوالحسن صبا

نگینی بر تارک موسیقی اصیل ایرانی

در ماه های گذشته از برنامه گل ها برایتان نوشته بودم. در این شماره از ابوالحسن صبا استاد موسیقی ایرانی برایتان می نویسم که امیدوارم مورد قبولتان واقع گردد.

شیشه می در شب یلدا شکست

از غم هجرت دل شیدا شکست

ساز صبا نغمه آخر نواخت

کز اثر زخمه روان ها بخت

استاد ابوالحسن صبا را با زحمات طاقت فرسا در موسیقی ایرانی اعم از پژوهش، آهنگ سازی، نواختن سازهای مختلف و تربیت شاگردانی که هر کدام در قله رفیع این هنر جای گرفتند، به جرأت می توان شخصیت بارزی در موسیقی ایران و از افتخارات فرهنگی این مرز و بوم دانست.

استاد صبا در سحرگاه بیست و نهم آذرماه ۱۳۳۶ به دلیل باریکی یکی از شریان های قلبش درگذشت. ابوالحسن صبا که اغلب موسیقیدانان او را پدر موسیقی ایرانی می نامند در سال ۱۲۸۱ شمسی در تهران متولد و از همان کودکی به موسیقی علاقمند شد. پدر صبا، کمال السلطنه، مردی ادیب، فاضل و آشنا با موسیقی بود و تمایل داشت پسرانش نیز با این هنر آشنا شوند.

به این ترتیب ابوالحسن خردسال با تشویق پدر و ذوق و علاقه خویش، مبانی موسیقی را نزد ربابه خانم (ندیمه عمه اش) آموخت.

پس از آن نواختن سه تار را نزد پدر آغاز و تمرین کرد و بعدها برای تکمیل آموزش این ساز اصیل ایرانی در محضر میرزا عبدالله حاضر شد.

ابوالحسن راه فراگیری موسیقی اصیل ایرانی را در شاگردی استادان بنام این هنر می دانست و برای همین از محضر درس استادان دیگری در این زمینه مانند: علینقی وزیری، غلامحسین درویش خان، نایب اسدالله، حسین خان هنگ آفرین، حسین خان اسماعیل زاده، حاجی خان ضربی و اکبرخان فلوتی بهره برد.

صبا معتقد بود ریشه همه موسیقی ها یکی بوده که عقیده افراطی برخی موجب جدایی آنها شده و وضع کنونی را بوجود آورده است.

وی همچنین اعتقاد داشت کسانی که می خواهند به موسیقی صورت مقبول، دنیا پسند و جامعی ببخشند باید موسیقی علمی و عملی را به نحو اکمل دانسته ادبیات ایرانی را به خوبی بشناسند، اکوستیک و صداشناسی را بدانند و با نواختن اغلب سازها آشنایی داشته باشند.

استاد روح الله خالقی موسیقیدان می گوید: صبا اغلب سازها را به خوبی می نواخت بویژه در نواختن ویلن و سه تار متبحر بود.

وی می افزاید: صبا با استفاده از سبک و تکنیک وزیری و آشنایی با روش صحیح نواختن ویلن، سبکی نو برگزیده بود و از آنجا که در موسیقی ایرانی سوابق فراوانی داشت توانست این شیوه را متداول کند.

به گفته استاد خالقی ویلن زمانی که به ایران آمد، بیشتر به دلیل شباهت در فواصل پرده ها و تعداد سیم هایش با کمانچه، به شیوه کمانچه نوازان آموزش داده می شد، در حالی که صبا با دریافت صحیح از روش نوازندگی این سبک را در هنرستان آموخت و ترویج داد. استاد حسین دهلوی از موسیقیدانان بزرگ کشور

رحمت‌الله بدیعی، پرویز یاحقی، اسدالله ملک، فرامرز پایور، حسین دهلوی، حسین تهرانی، مجید وفادار و مهدی خالیدی نام برد.

شادروان ابوالحسن صبا در ۲۹ آذرماه ۱۳۳۶ بر اثر بیماری قلبی بدروود حیات گفت و در آرامگاه ظهیرالدوله به خاک سپرده شد.

امیر

لخته خون سکنه

چهارمین نشانه سکنه نیز مشخص شد: زبان هیچ‌گاه این سه حرف را فراموش نکنید: **ل ح ه**
نشانه‌های سکنه

جین در جشن کباب‌پزی سکندری خورد و به زمین افتاد. اما به دوستانش که پیشنهاد کردند به اورژانس زنگ بزنند گفت حالش خوب است و فقط به خاطر اینکه به کفش‌های جدیدش عادت ندارد پایش به سنگ‌فرش گیر کرده. آنها به او کمک کردند تا بلند شده و یک بشقاب غذای دیگر برای خود بکشد.

جین با اینکه کمی هول شده بود ولی تا آخر آن بعد از ظهر خود را سرگرم کرد.

همان شب همسر جین تماس گرفت و به همه اطلاع داد که جین را به بیمارستان منتقل کرده‌اند و وی ساعت ۶ بعدازظهر فوت کرده است. او در جشن دچار حمله شده بود و اگر اطرافیانش حمله را تشخیص داده بودند شاید جین اکنون با ما بود.

گاهی حمله منجر به فوت افراد نمی‌شود اما آنها در شرایطی بدتر از مرگ مجبور به ادامه زندگی می‌شوند. خواندن این متن تنها یک دقیقه از زمان شما را خواهد گرفت.

یک متخصص اعصاب اعلام کرده است که اگر شخصی را که دچار حمله شده در ۳ ساعت به بیمارستان منتقل کنند میتوان عوارض ناشی از حمله را بطور کامل از بین برد. بله به طور کامل!! وی می‌گوید روش شناسایی حمله و رساندن بیمار به درمان‌های پزشکی در کمتر از ۳ ساعت به شناسایی علایم آن بستگی دارد.

شناسایی علایم سکنه

در برخی موارد شناسایی علایم سکنه کار بسیار سختی است.

متأسفانه ناآگاهی افراد می‌تواند منجر به فاجعه‌ای جبران‌ناپذیر شود. سکنه می‌تواند باعث مرگ یا آسیب

می‌گوید: مرحوم صبا در تمام دوران زندگی هنری خود همواره کوشش در حفظ اصالت داشت.

وی می‌افزاید: علاقه او به آموزش و درک صحیح و دقت او در رعایت حدود هنر خود و خارج نشدن از این محدوده از ویژگی‌های استاد صبا بود.

کارشناسان موسیقی معتقدند استاد صبا مجتهدی تمام عیار در عالم موسیقی بود که مانند او در قرن اخیر از بسیار اندک و انگشت‌شمار هستند.

علی دهباشی پژوهشگر موسیقی در این خصوص می‌گوید: هنر صبا تنها در نواختن ویلن و سه‌تار نبود، بلکه گذشته از تسلط بر عموم سازهای ایرانی، تربیت شاگردان برجسته، سبک خاص در نوازندگی و صدای سحرانگیز سازش او را از سایرین متمایز کرده بود.

وی افزود: صبا نسلی را پرورش داد که رویکرد متفاوتی به موسیقی دارند بطوری که عمق زحمات استاد در آثارشان مشهود است.

دهباشی، مطالعه و پژوهش گسترده صبا در زمینه موسیقی را از جمله فعالیت‌های وی خواند و اضافه کرد: نزدیک به دو دهه مطالعات منسجم توسط صبا در باره موسیقی ایران، دستاوردهای ارزنده‌ای برای این هنر بشمار می‌رود.

از جمله فعالیت‌های دیگر هنری صبا، می‌توان به همکاری وی با انجمن موسیقی ایران اشاره کرد.

صبا با همکاری انجمن موسیقی، قطعه «دیلمان» را ساخت و جواد معروفی نیز آنرا برای ارکستر تنظیم کرد که این کار با آواز بنان اجرا شد.

او معتقد بود که موسیقی ایرانی ساخته روح، محیط و عواطف ایرانی است و چیزی نیست که دور ریخته یا عوض شود بلکه فقط باید براساس پایه‌های صحیح و علمی استوار شود و از تقلیدهای ناروا مضمون بماند.

از آثار صبا می‌توان به زنگ شتر، بهار مست، به زندان، زرد ملیحه، بیاد گذشته، در قفس، رقص چوبی قاسم‌آبادی، کوهستانی و چهارمضرب‌های مختلف نام برد.

صبا همچنین آثار مکتوبی را نیز از خود به یادگار نهاده است که از آن جمله می‌توان به آثاری همچون: دوره اول، دوم و سوم ویلن، دوره اول، دوم، سوم و چهارم سنتور و دوره اول سه‌تار اشاره کرد.

اغلب شاگردان صبا از هنرمندان برجسته و از استادان به نام کشور هستند که از آن میان می‌توان به شادروان علی تجویدی، زنده‌یاد حبیب‌الله بدیعی،

گوشه دیگر می‌رود و ساز در حقیقت او را تبعیت می‌کند. معمولاً آوازه‌خوان هر بیت شعر را در یک گوشه می‌خواند. مابین ابیات، خواننده برای نفس‌گیری و تمرکز روی آنچه که باید در بیت بعدی بخواند سکوت می‌کند و نوازنده ساز با بداهه‌نوازی فضا را از یکنواختی درمی‌آورد و آنرا برای ادای بیت بعدی آماده می‌سازد. هنر آوازه‌خوان وقتی به اوج می‌رسد که توانسته باشد شعر را خوب ادا کرده باشد و از شش دانگ صدای خود بهره برده باشد و تحریرهای مناسب را به همراه آواز به کار برده باشد. امروزه بخاطر پیشرفت در تکنولوژی ضبط و پخش فراگیری آواز بسیار ساده‌تر از گذشته انجام می‌شود. موسیقی اصیل ایرانی نیز از این فن بی‌بهره نمانده و امروز تمام ردیف‌های مدون آواز از طریق کاست و CD در دسترس علاقه‌مندان به آوازخوانی می‌باشد.

ب) تصنیف - تصنیف در حقیقت یک قطعه آواز است که ساز، خصوصاً ریتم، آنرا همراهی می‌کند و اگر این تصنیف در جمعی نواخته شود، آن جمع بتواند خواننده را همراهی کند. جایگاه تصنیف در موسیقی ایرانی معمولاً پس از آواز و قبل از رنگ است. تصنیف‌های ایرانی بسیار متنوع می‌باشند، چه از حیث شعری و چه از حیث موسیقایی، معمولاً تصنیف‌ها به سه صورت ساخته می‌شوند، یا آهنگساز روی یک شعر مشخص گفته شده کلاسیک یا غیر کلاسیک آهنگی می‌سازد، یا شاعری روی آهنگی شعر می‌گذارد و یا اینکه شعر و آهنگ ساخته یک نفر باشد. تعداد زیادی از تصنیف‌های قدیمی ساخته اساتیدی چون عارف، شیدا، امیر جاهد در اوایل قرن بیستم از این دست می‌باشند که پس از گذشت سال‌ها امروزه همچنان مزین مجالس خصوصی و کنسرت‌های عمومی موسیقی اصیل می‌باشند. در هر تصنیف معمولاً یکی دو جمله است که شخصیت مستقل به تصنیف می‌دهد و از طریق همان می‌توان دستگاه مربوطه را شناخت.

بخش سوم:

ردیف و دستگاه‌های موسیقی ایرانی

آشنایی با ردیف و دستگاه‌های موسیقی ایرانی کار سختی نیست. همه ما خواسته یا ناخواسته کمابیش این موسیقی را می‌شناسیم و نغمه‌هایش را در گوش خود داریم. به قول استاد عالیقدر روح‌اله خالقی «اکثریت قریب به اتفاق ما در دامن مادری پرورش یافته‌ایم که با آهنگ دشتی برایمان لالایی خوانده، در کوچه و بازار از

مغزی فرد گردد و این در حالیکه اطرافیان شخص حتی متوجه علایم سگته نشده‌اند. پزشکان اعلام کرده‌اند که اطرافیان قربانی می‌توانند تنها با پرسیدن سه سوال ساده متوجه علایم سگته شوند:

ل: از شخصی بخواهید تا لبخند بزند
ح: از شخصی بخواهید که حرف بزند یا یک جمله ساده را به درستی ادا کند (مثلاً: امروز هوا آفتابی است)
د: از وی بخواهید هر دو دستش را بلند کند.
 اگر فرد در انجام هر کدام از موارد بالا مشکل داشت، در اسرع وقت با اورژانس تماس گرفته و علایم را برای امدادگران توضیح دهید.

و اما نشانه دیگری از سگته: از وی بخواهید **زبان** خود را بیرون بیاورد.

اگر زبان وی به راست یا چپ متمایل شده بود، بدانید که شخص دچار حمله شده است.
 یک متخصص قلب می‌گوید اگر هر کس که این نوشته را دریافت می‌کند آن را به ۱۰ نفر دیگر بدهد می‌توان امیدوار بود که حداقل جان یک انسان نجات یابد.
 من سهم خود را انجام دادم. شما چطور؟

امیر



گشت و گذاری در موسیقی کلاسیک ایران

هدف از نوشتار زیر معرفی موسیقی کلاسیک و یا به زبان دیگر موسیقی سنتی ایران است بطور خیلی خلاصه و با زبان ساده، با این امید که مورد توجه دوستداران این موسیقی قرار بگیرد.

مطالبم را در سه بخش بیان خواهم کرد: موسیقی سنتی در ایران، ساز و آواز، ردیف و دستگاه‌های موسیقی ایران.

۲- آواز - آوازه‌خوان در موسیقی اصیل ایرانی هنرش را در دو بخش ارائه می‌دهد: آواز و تصنیف.

الف) آواز - در موسیقی آوازی ایرانی دو هنر بزرگ موسیقی و شعر با هم تلفیق می‌شود و چون شعر جایگاه ویژه‌ای در هنر ایرانی دارد شاید بتوان گفت که موسیقی آوازی با اهمیت‌تر از موسیقی سازی است.

آوازخوانی از هنرهای بسیار مشکل در موسیقی ایرانی است. کسب بعضی از مهارت‌ها نظیر تحریر (چه چه) مستلزم تعلیم و تمرین بسیار می‌باشد. علاوه بر آن یک خواننده باید به ردیف موسیقی نیز واقف باشد. در اجرای یک دستگاه این خواننده است که از گوشه‌ای به

رفت و به جای خود بازگشت. برای آنکه به وسعت و اهمیت دستگاه شور در موسیقی ایرانی پی ببریم کفایت که اشاره کنیم بیش از هفتاد درصد تصنیف‌های ساخته شده و تدوین شده در کتاب‌های امروزه در دستگاه شور و چهار آواز متعلقات آن می‌باشند. و یا اینکه بگوییم اگر در مقابل هر کس که حتی دستش به ساز نخورده باشد یک سنتور کوچک شده در دستگاه شور بگذاریم و آن شخص با مضراب روی سنتور رنگ بگیرد ناخودآگاه روی یکی از نغمه‌ها و تصنیف‌های رفرانس شده و شناخته شده می‌افتد و سعی می‌کند آن آهنگ را بنوازد. اکثر آهنگ‌های کوچه بازاری ایرانی در دستگاه شور ساخته می‌شود چرا که نت‌های این دستگاه به گوش عموم ایرانیان آشنا و دلنشین است. فرود روی نت پایه شور (نخستین نت) بلافاصله آوازی را در درآمد شور طلب می‌کند، درآمدی که روی چهار نت اولیه دور می‌زند و قادر به بیان هرگونه شعر با هر وزنی می‌باشد. آواز شور جذبه و لطف خاصی دارد. ایرانی‌ها این آواز را خیلی دوست دارند. اگر این آواز با صدای خواننده متبحری، در باغی خلوت یا در شبی با روشنایی مهتاب و یا کنار جویباری با آب صاف که از روی سنگ‌های ریز می‌گذرد، خوانده شود، هر شنونده‌ای را به عالم عرفانی فرومی‌برد. دستگاه شور مناسب‌ترین دستگاه در موسیقی ایرانی است، برای ابراز احساسات درونی از قبیل عشق و محبت، عاطفه، انتظار، هجران و... صدها تصنیف و نغمه روی پنج نت اول دستگاه شور ساخته شده و هر ایرانی ده‌ها از آنرا در گوش خود دارد. اگر هفت نت گام شور را نردبانی با هفت پله فرض کنیم، با بالا رفتن از هر پله فضای جدیدی به افق دید و کیفیت نغمه‌ها گشوده می‌شود. اگر روی پله دوم بایستیم در ابوعطا هستیم. روی پله سوم در بیات ترک (زند). روی پله چهارم در افشاری و روی پله پنجم به دشتی می‌رسیم. تفکیک هر کدام از آنها از دیگری در عالم موسیقی کار چندان مشکلی نیست فقط کفایت به نت ایست و نت نمایان آن توجه کنیم و نغمه‌های رفرانس را در گوش خود مرور کنیم. در این چهار آواز نامبرده در شور یعنی ابوعطا و بیات ترک و افشاری و دشتی بقدری تصنیف وجود دارد که هر کس تعدادی رفرانس از هر کدام از این آوازها را در حافظه خود سپرده است و فقط کفایت اسمش را بداند. بعنوان مثال همه اذان مؤذن‌زاده اردبیلی را بارها و بارها شنیده‌اند. این اذان در دستگاه شور آواز بیات ترک

دهان دوره‌گرد نغمه‌های ابوعطا را شنیده‌ایم، درویش مشنوی را در افشاری برایمان خوانده، مؤذن در بیات ترک اذان را سروده، گدای رهگذر در منصوری ازمان کمک خواسته، نوحه‌خوان در سه‌گاه نوحه خوانده و مطرب در عروسی برایمان در چهارگاه نواخته و...»

همه ما بارها و بارها ساز تنها را در رادیو گوش کرده‌ایم و دستگاه‌های مختلف را با گوشت و خون خود احساس کرده‌ایم. حتی اگر هیچگونه آشنایی با ساز و آواز نداشته باشیم در موقع تنهایی شعری را زمزمه می‌کنیم و بی‌آنکه متوجه باشیم روی آهنگ یکی از نغمات موسیقی ملی‌مان در گوشه‌ای از دستگاه‌های ایرانی می‌افتیم.

در موسیقی ایرانی هفت دستگاه وجود دارد: شور، ماهور، همایون، سه‌گاه، چهارگاه، نوا، راست پنجگاه. پنج آواز نیز وجود دارد که چهارتای آن متعلق به دستگاه شور است (ابوعطا، بیات ترک (زند)، افشاری و دشتی) و یک آواز نیز متعلق به دستگاه همایون (آواز اصفهان). در هر کدام از دستگاه‌ها و آوازها چندین گوشه وجود دارد. گوشه عبارت است از یک حالت و یک کیفیت خاص یا یک فورم ریتمیک که روی یک یا چند نوت از یک دستگاه بنا گردیده است و قابل تشخیص و یادگیری نیست مگر با تمرین و تکرار. نغمه‌های بومی مناطق مختلف ایران روی یک یا چند گوشه خاص آن منطقه بنا شده است. مثلاً یک مادر کرد با یک لحن خاص برای فرزندش لالایی می‌خواند و یک مادر مشهدی با لحن دیگر. چوپان لر با لحنی در نی خود می‌دمد و چوپان بلوچ در لحن دیگر. همینطور در عروسی‌ها، نوحه‌ها، تصنیف‌های محلی، اذان، دوبیتی‌ها، مداحی‌های مذهبی و... همه جا لحن و گوشه خاص خود را دارند. جمع‌آوری همه این گوشه‌ها و الحان در قرن بیستم صورت گرفته و امروزه به صورت یک مجموعه دستگاه‌های موسیقی ایرانی در اختیار علاقه‌مندان می‌باشد. شناخت این مجموعه را شناخت ردیف موسیقی ایرانی می‌گویند.

۱ - دستگاه شور - فصل مشترک اکثر نغمه‌ها و الحان در موسیقی ایرانی بطور عام دستگاه شور است که رایج‌ترین دستگاه از نظر فواصل پرده‌ها بشمار می‌رود. هیچ کجا در ایران وجود ندارد که حداقل قسمتی از نغمه‌های محلی‌اش را روی این دستگاه بنا نکرده باشد. شور را مادر دستگاه‌های ایرانی می‌نامند. اگر ردیف موسیقی ایرانی را به درختی تشبیه کنیم، تنه درخت دستگاه شور است که می‌توان از آن به شاخه‌های دیگر

در ادارات و مکاتبات رسمی استفاده می‌شود و تقریباً ۱۵۰۰ لهجه و دیالکت در این کشور وجود دارد که بعضی از آنها در حال نابودی است.

در کل این کشور مرکز تنوع و گوناگونی است. به غیر از زبان، تنوع آب و هوایی، منابع معدنی، نژادی و فرهنگی و مذهبی به هند چشم‌انداز شگرف از همزیستی مسالمت‌آمیز میان اعتقادات گوناگون بخشیده است و در واقع، هند معجونی از ادیان مختلف و فرقه‌های مذهبی متفاوتی است که اغلب آنها از هندوئیسم (۸۰٪) اسلام (۱۳٪) و بودائیسم نشأت گرفته‌اند. گرچه بعد از استقلال (۱۹۴۷) هند تجربه شد و دو کشور پاکستان و بنگلادش از آن بوجود آمدند هم‌اکنون از لحاظ تعداد جمعیت مسلمان‌نشین بعد از اندونزی و پاکستان سومین کشور جهان است!

از لحاظ نژادی این کشور از ۷۲٪ هند و اروپائی، ۲۵٪ دراویدی (بیشتر در جنوب) و ۱۳٪ نژاد زرد تشکیل شده است که ۶۱٪ آنها باسوادند و میزان باسوادی در مردان به مراتب بیشتر از زنان است.

از لحاظ تقسیمات کشوری، هند به ۲۸ ایالت و ۷ ناحیه بهم پیوسته است (مثل ناحیه پایتختی ملی دهلی). حکومت هند را بزرگترین «دموکراسی» جهان می‌نامند. بیش از ۷۰۰ حزب سیاسی در هند وجود دارد که از میان آنان حزب کنگره، حزب بهاراتیا جاناتا (BJP) و حزب کمونیست و مارکسیست هند از بزرگترین احزاب به شمار می‌روند. سیستم سیاسی آن جمهوری فدرال است. رئیس جمهور حالت تشریفاتی دارد و عملاً مسئولیت مملکت در دست نخست‌وزیر است.

از سال ۱۹۸۰ اقتصادی دولتی به نفع اقتصادی لیبرال ترک شده است و در سال‌های اخیر رشد اقتصادی آن شتاب گرفته (میزان رشد به ۸٪ رسیده است). البته رشدی که به اختلافات طبقه‌ای و فقر بیش از پیش دامن زده است و گرچه سیستم کاست بطور رسمی لغو شده ولی همچنان در بطن جامعه حاکم است. و بالاخره از لحاظ ژئوپولیتیک، هند با دو کشور چین و پاکستان سر مسئله کشمیر و تبت درگیر است و تنش‌هایی را در روابط همسایگی برایش ایجاد کرده است. با این مقدمه کوتاه، در شماره آینده، به تاریخ و نفوذ فرهنگی ایرانیان و معرفی پارسی‌ها در هند خواهیم پرداخت.

رسول

خواننده شده و یا سروده ای ایران ای مرز پر گهر در آواز دشتی ساخته شده است.

۲- دستگاه ماهور - در موسیقی تدوین شده مدرن گام طبیعی را گام مازور می‌گویند بطوریکه فاصله پرده‌های سوم و چهارم از یک طرف و هفتم و هشتم از طرف دیگر نیم‌پرده باشد و باقی یک پرده. معادل یک گام در موسیقی ایرانی ماهور نام دارد. ماهور تنها دستگاه ایرانی است که با پیانو و بطور کلی سازهای غربی قابل نواختن است چون در هیچکدام از نت‌هایش ربع پرده به کار گرفته نشده است. دستگاه ماهور در موسیقی ایرانی کاربرد زیادی دارد. حالت شادی دارد و بیشتر برای جشن و سرور و رقص و پایکوبی استفاده می‌شود. مارش‌های نظامی و سرودهای ملی نیز اغلب در این دستگاه نواخته می‌شوند. به عنوان رفرانس یکی از تصنیف‌هایی که تقریباً همه ایرانی‌ها آنرا شنیده و قادر به خواندنش می‌باشند، تصنیف مرغ سحر است که در دستگاه ماهور ساخته شده. بنابراین اگر خواستید بدانید آهنگی را که می‌شنوید در دستگاه ماهور ساخته شده یا خیر سعی کنید آهنگ مرغ سحر را در آن حال و هوای آهنگی که می‌شنوید زمزمه کنید. اگر درست از آب درآمد آنوقت می‌توانید مطمئن باشید که آهنگی را که می‌شنوید در دستگاه ماهور است.

گوشه‌های مهم دستگاه ماهور عبارتند از: شکسته دلکش، عراق، راک. به عنوان مثال در تصنیف مرغ سحر از جایی وارد دلکش می‌شویم که می‌خوانیم: نوبهار است، گل به بار است... این قفس چون دلم تنگ و تار است... در اینجا حال و هوا از ماهور بیرون می‌آید و اشاره‌ای به شور می‌شود، چون ترکیب نت‌ها و فواصل عوض می‌شود و به فواصل شور تبدیل می‌گردد.

تهیه و تنظیم: صفا

XXXXXXXXXX

در شناخت محیط:

هند و نفوذ فرهنگی ایران در آن

کشور هند واقع در جنوب قاره آسیا، بعد از چین پرجمعیت‌ترین کشور دنیاست (۱,۱۸۵,۶۸۰,۸۸۳ نفر). این کشور در واقع یک ششم جمعیت دنیا را شامل است و پیش‌بینی می‌شود که در سال ۲۰۲۰ تعداد ساکنان آن از چین هم پیشی بگیرد و از لحاظ مساحت هفتمین رتبه را در مقیاس جهانی داراست.

بیشتر و سه زبان رسمی در قانون اساسی هند به رسمیت شناخته شده، ولی عملاً زبان هندی و انگلیسی

XXXXXXXXXX

می‌اندازند. بنابراین به جای بررسی و تجزیه و تحلیل اینکه فلان تحول یا رخداد را همواره یک یا چند نفر و یا یک قدرت خارجی برای مصالح و منافع خودشان راه می‌اندازند. بنابراین، به جای بررسی و تجزیه و تحلیل اینکه فلان تحول یا رخداد چرا و چگونه و بدلیل کدامین انگیزه‌ها و تحت تأثیر کدامین اسباب و علل و کنش‌ها و واکنش اقتصادی، اجتماعی یا سیاسی پدید آمده، مبتلایان به تئوری توطئه همواره به دنبال یافتن عوامل «پشت پرده» هستند. این کار بالاخص برای آن دسته از پدیده‌ها که برخلاف باورها و اعتقادات صورت گرفته بسیار شدیدتر و جدی‌تر است. به عبارت دیگر، اگر هم در مورد مسائلی که برخلاف تصور و باور ما اتفاق افتاده، قطعاً به سمت و سوی چنین فرضیه‌هایی می‌رویم. در چنین موارد ما به نوعی واقع‌های را که برخلاف میل ما باشد برای خودمان بازسازی می‌نمائیم به شکلی که با باورهای قبلی ما سازگاری پیدا کند. در چنین مواردی ما فرضیه توطئه می‌سازیم به گونه‌ای که از یک سو درستی و حقانیت دیدگاه‌های ما و از سوی دیگر بطالت یا زشتی، سیاهی و تباهی مخالفین را نشان می‌دهد. نخستین پرسشی که پیرامون توهم توطئه قابل طرح می‌باشد آن است که آیا ظهور و رواج این بیماری در یک جامعه پدیده‌ای طبیعی است؟

پرسش دوم آن است که این بیماری بیشتر در کدامین جوامع جاری است. این بیماری عمدتاً در کشورهای جهان سوم وجود دارد.

برای روشن شدن بهتر مطلب برایتان ماجرای جولیان ایلمبری کنسول آمریکا را در زمان رضاشاه بازگو می‌کنم. در اوایل قدرت گرفتن رضاشاه در ایران یکباره در تهران شایع می‌شود که سقاخانه‌ای در محله «آقا شیخ هادی» تهران معجزه کرده و نابینایی شفا گرفته است. به تدریج جمعیت زیادی به اطراف سقاخانه جمع می‌شوند. عده‌ای برای زیارت و نذر و نیاز و رفع مشکلات و گرفتن حاجتشان، شماری هم جهت کنجکاوی به سوی چهارراه «آقا شیخ هادی» روی می‌آورند. در آن ایام وابسته کنسولی و فرهنگی سفارت آمریکا در تهران فردی بود به نام «جولیان ایلمبری» که به فولکلورهای مذهبی و سنتی ایران فوق‌العاده علاقمند بود. او به مناطق زیادی از ایران سفر کرده و از آثار و بناهای مذهبی و تاریخی ایران عکس‌های فراوانی گرفته بود. خبر واقعه سقاخانه که به وی می‌رسد بلافاصله با یک دوربین بزرگ و سه پایه و یکی دو مستخدم سفارتخانه به وسیله درشکه خود را به محله «آقا شیخ هادی» می‌رساند. پس از برداشتن یکی دو عکس به تدریج جمعیت معترض او

اطلاعیه

اولین جلسه عمومی انجمن تاکسیران در سال ۲۰۱۱، دوشنبه ۳ ژانویه ساعت ۱۹:۳۰ در رستوران الهام در برگیرنده مطالب زیر می‌باشند.

- سخن هیئت مدیره
- معرفی هیئت مدیره ۲۰۱۱
- گزارش مالی انجمن در سال ۲۰۱۰
- بحث پیرامون عملکرد و کارنامه هیئت مدیره در سال ۲۰۱۰
- بحث آزاد

XXXXXXXXXX

اطلاعیه

جلسه عمومی انجمن تاکسیران، اولین دوشنبه هر ماه ساعت ۱۹:۰۰ در رستوران الهام برگزار می‌گردد.

Chez - Elham, 11, Rue de la REYNIE
75004 Paris - Métro : Chatelet - Les - Halles

حضور در جلسه عمومی انجمن تاکسیران، برای کلیه همکاران (عضو و غیر عضو) آزاد می‌باشد.

XXXXXXXXXX

تئوری توطئه

بسیاری از خارجی‌ها که طرف یک قرن گذشته با ایرانیان تماس داشته یا میان ما مدتی زیسته‌اند، یکی از خصوصیات عجیب ما ایرانیان را گرایش و اعتقادمان به تئوری توطئه دانسته‌اند. در ساده‌ترین شکل «تئوری توطئه» عبارت است از نداشتن اعتقاد یا باور نکردن شکل ظاهری رویدادهای مختلف. از دید طرفداران توطئه وقایع اتفاق افتاده یک «صورت ظاهر» دارند که ما می‌بینیم، اما اسباب و علل یا ریشه‌های حقیقی و واقعی بوجود آمدن آنها چیزهای دیگری است که ما یا اساساً هرگز از آنها علم و آگاهی پیدا نمی‌کنیم و یا آنکه فقط بعدها ممکن است سرنخ‌هایی از آنها بدست آوریم. بنابراین به زعم طرفداران تئوری توطئه ما ناپستی هرگز فریب «صورت ظاهر» رخدادهای مختلف را بخوریم، بلکه همواره بایستی به جستجوی «علت‌های واقعی» و «دست‌های پنهان» و خلاصه اسباب و عللی که پدیدآورندگان آن رخداد سعی می‌کنند از چشم ما پنهان کنند برائیم. از دیدگاه طرفداران «تئوری توطئه» تحولات اجتماعی یا سیاسی چندان اصلاتی ندارند، کمتر اتفاق می‌افتد که قضیه‌ای یا واقع‌های به طور طبیعی بوجود آید، بلکه اتفاقات و تحولات را همواره یک قدرت یا قدرت‌هایی برای مصالح و یا منافع خودشان به راه

دشمنان پیشرفت و ترقی ایران و «ایادی استعمار» آنان که مصالح و منافعشان به خطر افتاده دست به این توطئه زده‌اند تا امنیت و ثبات کشور را نزد خارجی‌ها کمرنگ جلوه دهند و نشان دهند که در ایران هرج و مرج برقرار است.

نظر بعدی هم به مخالفین حکومت وقت تعلق داشت که می‌گفتند کل ماجرا ساخته و پرداخته رضاشاه، دولت و دستگاه نظمی است تا به این بهانه حکومت نظامی اعلام کنند و مخالفین را قلع و قمع نمایند.

آنچه در تمام این نظرها به چشم نیامد اینکه شاید ماجرا به دور از توطئه و نقشه گروه‌های سیاسی آغاز شده و جولیان ایمری خود به خود به خاطر علاقه به فولکلور و فرهنگ مردم به آن محل کشیده شد و قصد عکس گرفتن داشته و در این میان مشتی آدم جاهل و متعصب جلوی او را می‌گیرند و کنسول سفارت به جای اینکه راهش را بگیرد و برود به مجادله با آن جماعت پرداخته و آنان نیز برای اینکه جای خوبی در آن دنیا برای خود دست و پا کنند، با ضربات کارد و قمه آن «خارجی کافر» را که می‌خواسته معجزه سقاخانه را خدشه‌دار نماید به قتل برسانند. زمانی که این جماعت به جان جولیان ایمری افتاده بودند، نه آمریکا، نه انگلستان، نه اقلیت حکومت، نه اکثریت حکومت، نه رضاشاه و نه هیچ فرد یا تشکل سیاسی روحشان خبردار نبوده که در جلوی سقاخانه آشپز هادی و روی تخت بیمارستان چه می‌گذرد، چه رسد به آنکه حادثه را طراحی و کارگردانی کرده باشند.

تهیه و تنظیم از داود

XXXXXXXXXX

اطلاعیه

جشن آخر سال میلادی

به اطلاع کلیه اعضای محترم انجمن می‌رسانیم که جشن آخر سال میلادی در تاریخ هشتم ژانویه ۲۰۱۱ در ساعت ۲۰ در محل زیر برگزار می‌شود.

Samedi 8.01.2011 à 20 h

Restaurant Nouvelle Fontaine

6 bd Ornano

93200 Saint Denis

Métro Carrefour Pleyel

شرکت در این جشن باعث سرافرازی و افتخار ماست.

هیئت مدیره ۲۰۱۰

می‌شود اما ایمری به جای ترک محل شروع به مجادله با معترضین نموده و اصرار به برداشتن عکس‌های بیشتری می‌نماید. در این هنگام در میان جمعیت شایع می‌شود که شب قبل چند «بابی» برای هتک حرمت سقاخانه تلاش کرده بودند و عکس برداشتن آن اجنبی را هم ادامه همان قضیه می‌دانستند. به تدریج اعتراض جگیت حالت تعرض و نهایتاً حمله به جولیان ایمری را به خود می‌گیرد. در نتیجه ضربات وارده او زخمی می‌شود و با درشکه‌ای وی را به بیمارستان نجمیه می‌رسانند. اما ماجرا به همین جا ختم نمی‌شود، زیرا عده‌ای پس از اطلاع از بستری شدن جولیان ایمری خود را به بیمارستان رسانده و با ضربات کارد و قمه آنقدر بر سر و روی او می‌کوبند که منجر به مرگ او می‌شود. وقوع چنین حادثه‌ای برای هر کشور و ملتی مایه شرمساری است، اما از آن دردناک‌تر واکنش‌های جامعه گرفتاری بیماری توهّم توطئه در قبال آن عمل است. متأسفانه در جامعه هیچ کس صورت ظاهری قتل جولیان ایمری را نپذیرفته و به جای آن هر کسی سعی می‌کرد ریشه‌ها و اسباب و علل «حقیقی» ماجرا را روشن کند. طبق معمول انواع مختلف تئوری توطئه پیرامون این واقعه ساخته و پرداخته شد.

اولین تفسیر کل ماجرا را مربوط به انگلیسی‌ها می‌کرد و اینکه از این کار قصدشان خراب کردن رابطه ایران و آمریکا بود و هدف انگلیس عقیم کردن فعالیت دو شرکت آمریکایی که در آن‌موقع در ایران مشغول استخراج نفت بودند.

نظر دیگر این بود که عوامل جاسوسی آمریکا با برنامه‌ریزی قبلی جولیان ایمری را به قتل رسانده‌اند تا بعد دولت ایران را در تنگنا قرار بدهند و سپس برای شرکت‌های نفتی آمریکایی امتیاز بیشتر کسب کنند.

نظر سوم این بود که چون آمریکایی‌ها فقط در شمال ایران می‌توانستند امتیازی کسب کنند چرا که جنوب ایران به شرکت نفت ایران و انگلیس یا در اصل به انگلیسی‌ها تعلق داشت و چون روس‌ها نمی‌خواستند پای آمریکایی‌ها به حوض و حوض مرزهای جنوبی کشورشان باز شود ماجرای سقاخانه و قتل جولیان ایمری را به راه انداخته‌اند.

نظر چهارم از طرف اکثریت مجلس وقت و رضاشاه و مطبوعات طرفدار آن طرح می‌شد و آن این بود که ایران به سرعت از حالت ملوک‌الطوایفی، هرج و مرج، بی‌ثباتی و ضعف و درماندگی عصر قاجار به همت حکومت وقت خارج شده و در مسیر ترقی افتاده اما مرتجعین و